

پنجشنبه 8 فروردین 1398 - 21 رجب 1440 - 28 مارس 2019

قیام مردم یزد علیه رژیم پهلوی در اربعین شهدای تبریز (1357 ش)



قیام مردم یزد علیه رژیم پهلوی در اربعین شهدای تبریز (1357 ش)

به دنبال انتشار مقاله توهین؛آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام خمینی(ره) در هفدهم دی ماه سال 1356 و قیام 19 دی، جرقه اعتراضی در شهر قم زده شد که سرانجام با تظاهرات مردمی دیگر شهرهای ایران، شعله‌های انقلاب، سراسر کشور را فراگرفت. تظاهرات طلاب و مردم قم در حمایت از رهبر تبعیدی نهضت عظیم اسلامی و همچنین در اعتراض به اسائه ادبی که نسبت به مقام شامخ آن مرجع عالی؛قدر صورت گرفته بود، توسط عمال رژیم منحوس پهلوی به خون کشیده شد که در پی آن عده؛ای شهید و مجروح شدند. با نزدیک شدن چهلیم شهدای 19 دی قم، شهر مبارزخیز تبریز در 29 بهمن 56، مراسم باشکوهی را برگزار کرد. این حرکت مردم تبریز با حمله مأموران مسلح رژیم به مردم بی؛دفاع، فاجعه؛ای دردناک؛تر و هولناک؛تر از حادثه قم آفرید. پس از مدتی و با نزدیک شدن چهلیم شهدای تبریز، مردم در شهرهای مختلف ایران، دست به تظاهرات زدند. مردم یزد نیز تظاهرات خود را از هشتم فروردین آغاز کردند. این اعتراضات در روزهای بعد ابعادی وسیع؛تر به خود گرفت. به دعوت آیت؛الله صدوقی، بازار تعطیل شد و مردم در مسجد جامع یزد تجمع کردند. این تجمع که با سخنرانی یکی از انقلابیون همراه بود، با تظاهرات مردم در خیابان؛ها ادامه یافت و حمله رژیم به مردم، مجدداً چهره واقعی نظام پهلوی را آشکار ساخت. اربعین شهدای تبریز در شهرهای دیگری همچون اهواز و جهرم نیز با به خاک و خون کشیدن مردم، همراه بود. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران، حرکتی پرشتاب؛تر به خود گرفت تا این که در 22 بهمن 1357 به پیروزی نهایی رسید. الحاق کشور نروژ به خاک سوئد با تصویب کنگره وین (1814م)

بعد از سقوط و شکست نهایی امپراتوری ناپلئون، تعیین سرنوشت اروپا به دست پادشاهان و زمام؛داران این قاره افتاد. این عده با برپایی کنگره؛ای در وین با حضور 216 نماینده از سراسر اروپا به تقسیم غنائم پرداختند. در واقع، کنگره وین نقشه اروپا را از نو کشید و از جمله در 28 مارس 1814، کنگره وین به پاس خدماتی که سوئد در شکست قوای ناپلئون ثنایارت امپراتور فرانسه انجام داده بود، نروژ را بر خلاف میل مردم آن، ضمیمه خاک سوئد کرد و همراه آن، جزیره ایسلند نیز که متعلق به نروژ بود، به سوئد واگذار شد. با این ترتیب، استقلال داخلی نروژ، عملاً از بین رفت و مردم نروژ سر به شورش برداشته و خواستار حکومتی مستقل شدند. سرانجام رهبران سوئد و نروژ با استقرار سلطنت دوگانه به توافق رسیدند.

پیروزی سلطنت؛طلبان در اسپانیا و پایان جنگ؛های داخلی این کشور(1939م)

سرمنشأ ناآرامی؛ها و جنگ؛های داخلی در اسپانیا را باید از زمانی دانست که آلفونس سیزدهم، پادشاه مستبد این کشور، تحت فشار جمهوری خواهان، مجبور به استعفا شد و حکومت جمهوری در اسپانیا برقرار گردید. اما چندی بعد، نظامیان این کشور به رهبری ژنرال فرانسیسکو فرانکو به بهانه نابسامانی؛های سیاسی و اقتصادی، با حمایت مالی و تسلیحاتی آلمان نازی و ایتالیای فاشیست، به جنگ با جمهوری خواهان پرداختند و بدین ترتیب جنگ؛های داخلی اسپانیا از 17 ژوئیه 1936م آغاز شد. نیروهای فرانکو تا اواخر سال 1936م نیمی از خاک اسپانیا را به تصرف خود درآوردند و از اوایل سال 1937م به کمک آلمان و ایتالیا، حمله به پایتخت و ایالات شمالی کشور را آغاز کردند. در این میان، جمهوری خواهان با وجود دریافت کمک از برخی کشورهای اروپایی، نتوانستند در مقابل سلطنت طلبان مقاومت کنند و با ورود نیروهای داوطلب خارجی به اسپانیا، جنگ داخلی این کشور عملاً به یک رویارویی بین المللی تبدیل شد. در طول سال 1938م، با افزایش کمک؛های آلمان و ایتالیا به نیروهای فرانکو و قطع کمک شوروی به حکومت جمهوری اسپانیا، نیروهای دولتی در وضعی دشوار قرار گرفتند و از اواخر سال 1938م در تمام جبهه؛ها با شکست روبرو شدند. درسه ماهه اول سال 1939م، شهرهای بزرگ اسپانیا یکی پس از دیگری سقوط کرد و با سقوط مادرید، آخرین پایگاه حکومت جمهوری خواهان در 28 مارس 1939م، عمر حکومت جمهوری در اسپانیا نیز به پایان رسید. سرانجام پس از دو سال و نیم جنگ داخلی در اسپانیا، جمهوری خواهان شکست خوردند و ژنرال فرانکو به قدرت رسید. از این زمان، حکومت نظامی مستبد و سرکوب؛گر سی و شش ساله فرانکو بر این کشور آغاز شد و او تا زمان مرگ در 20 نوامبر 1975، با دیکتاتوری تمام بر اسپانیا حکومت نمود. قیام مردم هلند علیه استبداد شاه اسپانیا (1572م)

منطقه کاستاریکا در نیمه هزاره دوم میلادی، محل سکونت قبائل کوچک بود. در 29 مارس 1500 کریستف کلمب در جریان سفرهای خود، به این منطقه رسید اما حضور اروپائیان و سکونت آنها، 60 سال بعد عملی گردید. آنها این منطقه را به علت منابع طبیعی فراوان در آن، کاستاریکا نامیدند که به معنای ساحل ثروت؛مند می؛باشد. کاستاریکا از سال 1564 به صورت رسمی در سیطره اسپانیا قرار گرفت که تا سال 1821 به طول انجامید. پس از آن، ضمن اعلام استقلال خود، به امپراتوری مکزیک پیوست و با فروپاشی فدراسیون مکزیک، کاستاریکا نیز به استقلال کامل نائل آمد.

کاستاریکا با 100/51 کیلومتر مربع وسعت در قاره امریکای مرکزی، در غرب دریای کارائیب و شرق اقیانوس آرام و در همسایگی کشورهای پاناما و نیکاراگوئه واقع شده است. جمعیت آن بیش از 4 میلیون نفر بوده و اسپانیولی؛ها، دورگه؛ها و سرخ؛پوستان، مهم؛ترین گروه نژادی آن می؛باشند و پیش؛بینی شده است جمعیت آن تا سال 2025 به حدود 6 میلیون نفر بالغ گردد. مذهب اکثر مردم، کاتولیک، زبان رسمی، اسپانیولی و پایتخت آن، شهر سان خوزه می؛باشد. شهرهای مهم آن عبارتند از: کارتاگو، آلاخوئلا و بندر لیمون. حکومت کاستاریکا جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانون؛گزاری بوده و واحد پول آن کولون کاستاریکا است.(ر.ک: 15 سپتامبر)